

پیش‌بینی دلبستگی به خدا از طریق سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری در دانش‌آموزان

فریده محمدی^۱، مجتبی امیری مجد^۲

^۱ کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاداسلامی، ابهر، ایران.

^۲ دکتری، گروه روانشناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاداسلامی، ابهر، ایران.

نام نویسنده مسئول:

فریده محمدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی دلبستگی به خدا از طریق سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر قزوین انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری دانش‌آموزان پسر متوسطه اول و دوم که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در شهر قزوین بودند که ۳۳۶ شرکت‌کننده به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)، دلبستگی به خدا غباری و حدادی کوهسار (۱۳۹۰) و دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) جمع‌آوری و بوسیله آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و سبک فرزندپروری مقتدرانه با دلبستگی به خدا در دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($p < 0/01$). بین سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با دلبستگی به خدا در دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($p < 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و سبک فرزندپروری مقتدرانه، دلبستگی به خدا را به طور معناداری پیش‌بینی می‌کنند و سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی و سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دلبستگی به خدا را به طور معکوس و معنادار پیش‌بینی می‌کنند ($p < 0/01$). بنابراین نتیجه گرفته شد که سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری روی دلبستگی به خدا در دانش‌آموزان تاثیر دارند.

واژگان کلیدی: دلبستگی به خدا، سبک دلبستگی، فرزندپروری، دانش‌آموزان.

مقدمه

دوره نوجوانی از ۱۲ تا ۱۸ یا ۲۰ سالگی ادامه دارد و در پسر و پسر و افراد مختلف پایان آن فرق میکند (دبس^۱، ۱۳۹۰). در دوران بلوغ، تغییرات زیادی در کودکان و همچنین والدین آنها (سبک زندگی، شیوه برخورد با کودک و ...) روی می دهد (فونتئل^۲، ۱۳۸۹).

رابطه والد-فرزندی یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است. رابطه والدین و فرزندان نخستین معرف دنیای ارتباطات برای کودک می باشد که احساس عشق صمیمیت و امنیت به طور مستقیم ریشه در این روابط دارد (کمز-هولت، ۲۰۱۲). دلبستگی به خدا تحت عنوان ارتباط و گرایش عاطفی فرد به خداوند تعریف میشود که در آن تعلق خاطر به خداوند به عنوان پایگاه امنی شناخته میشود که در همه شرایط میتوان او را جستجو کرده و از او کمک خواست. ارتباط با خدا به لحاظ نظری، در چارچوب نظریه دلبستگی بالبی و مبتنی بر دیدگاه دلبستگی به والدین است. معیارهای دلبستگی به خدا شامل جستجو و حفظ مجاورت با خدا، خداوند به عنوان پناهگاهی امن و در دسترس، جدایی و فقدان به عنوان منبع اضطراب و نگرانی، و خداوند به عنوان قادر و دانای کل هستند. با توجه به این موضوع که مبانی نظری دلبستگی به خدا با مبانی نظری دلبستگی انسانی مشابه است میتوان پیشبینی کرد که کیفیت دلبستگی به خدا نیز یک سازه کلیدی در سلامت روانی، سلامت معنوی و کیفیت زندگی افراد به حساب می آید (گران کوویست، میکولینسر و شاور، ۲۰۱۰). عوامل متعددی در شکل گیری دلبستگی به خدا نقش دارند. به نظر می رسد یکی از عوامل تاثیرگذار در مقوله دلبستگی به خدا، سبک های دلبستگی افراد در دوران کودکی است. مفهوم دلبستگی به گونه های متفاوتی تعریف شده است اما چیزی که در همه این تعاریف مشترک می باشد این است که دلبستگی عنصر اساسی تحول طبیعی انسان به شمار می رود (ملک پور، ۲۰۰۷). براساس نظریات بالبی دلبستگی به معنای پیوند عاطفی است که در کودکی بین کودک و مراقب اصلی وی شکل می گیرد و بر رشد اجتماعی و احساس کودک در کل زندگی مؤثر است (گوردون، ۲۰۰۸).

الگوی دلبستگی که اولین بار توسط بالبی در زمینه تحول کودکان بکار رفت در سه گروه دلبستگی ایمن دوسوگرا و اجتنابی و برای روابط دلبستگی بزرگسالان دنبال شد (دیتاماسو برانن- مک نولتی راس و برگس، ۲۰۰۳). در اصطلاح نظریه کلاسیک دلبستگی، افراد دارای دلبستگی ایمن، افرادی هستند که نسبت به خود و دیگران نگرش مثبت دارند در ارتباطات شان متعهد هستند و در روابط صمیمانه احساس راحتی می کند (میکولینسر، ۲۰۱۰) و در وابسته شدن به دیگران و وابسته شدن دیگران به خود مشکلات اندکی دارند. این افراد از ویژگی احساس راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط بین فردی برخوردارند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). بزرگسالان دارای دلبستگی دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بیشتر مشخص می شوند (کالینز و همکاران، ۲۰۰۲). این افراد دچار تعارض میان نیاز قوی خود برای روابط نزدیک و صمیمانه از یک سو و احساس ناامنی از پاسخگویی دیگران به نیازهای خود و احتمال طرد شدن از سوی دیگران هستند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷). همچنین کمتر به داشتن دیدگاه مثبتی در مورد خودشان گرایش دارند. این سبک با شور و هیجان و دل مشغولی در مورد روابط همراه با خرسندی کم مرتبط است (مورلی و موران، ۲۰۱۱). بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی دارای ویژگی هراس از نزدیکی و صمیمیت هستند و به هیچ وجه خواهان نزدیکی هیجانی نبوده و خودمختاری را ترجیح می دهند (رگس دال و براندا، ۲۰۰۶). آنها خودشان را به صورت خودبسنده می بینند. افراد دارای این سبک آسیب پذیری را انکار می کنند و ادعا می کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت دارند (ویردون و همکاران، ۲۰۰۸).

سبک های دلبستگی روی تصور از خدا تاثیر می گذارد و از این طریق روی رضایت زندگی افراد تاثیر می گذارد. افراد دارای سبک دلبستگی مثبت، تصور مثبتی از خدا دارند و خدا را پذیرنده، نزدیک و در دسترس تلقی می کنند (امیدی، فرهوش، احمدی و افتخار اربابی، ۱۳۹۹). همچنین ماینر (۲۰۰۹) در پژوهشی به این نتیجه رسید که دلبستگی کودک- والد در شکل گیری دلبستگی به خدا و جهت گیری مذهبی تاثیر دارد و می تواند به سازگاری روان شناختی افراد کمک کند. دلبستگی کودک- والد در صورتی که ایمن باشد، به لحاظ عاطفی پیوندهایی را در سلامت روانی و روابط عاطفی کودک- والد ایجاد می کند که زمینه

¹Debssce²Fontanelle

دلبستگی به خدا را در آنان شکل می دهد. زرزیکا (۲۰۱۹) هم در پژوهشی دریافت که بین سبک های دلبستگی والدینی و گرایش های مذهبی و معنویت افراد رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین سبک های دلبستگی والدینی و تصویر خدا رابطه وجود دارد و در رابطه بین این متغیرها نقش واسطه ای دارد.

علاوه بر دلبستگی، عامل مهم دیگری که به نظر می رسد در شکل گیری دلبستگی به خدا نقش دارد، شیوه های فرزندپروری است. روان شناسان از دهه ۱۹۲۰ به بعد علاقمند به تحقیق در زمینه شیوه های فرزندپروری بودند. شیوه فرزندپروری توسط بامریند در سال ۱۹۶۰ مطرح شد. شیوه های فرزندپروری از دوبره تشکیل شده است: درخواست کنندگی والدین (کنترل) و پاسخ دهندگی والدین (گرمی یا پذیرش). بامریند از ترکیب این دو عنصر سه شیوه فرزندپروری بوجود آورد که عبارتند از شیوه فرزندپروری مقتدرانه (درخواست کنندگی بالا و پاسخ دهندگی بالا) شیوه فرزندپروری مستبدانه (درخواست کنندگی بالا و پاسخ دهندگی پایین) و شیوه فرزندپروری آزادگذار (درخواست کنندگی پایین و پاسخ دهندگی بالا). در سال ۱۹۸۳ بامریند شیوه چهارمی به نام شیوه فرزندپروری بی توجه یا مسامحه کار (درخواست کنندگی پایین و پاسخ دهندگی پایین) را اضافه کرد (ازلایا و گرین، ۲۰۱۲).

فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری حمایت عاطفی بالا سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو - سویه بین کودک و والد مشخص می شود (رینالدی وهاو، ۲۰۱۱). این والدین کودکان شان را به وسیله ابزار کلامی و جسمانی حمایت می کند آنها از کودکان شان با محبت و روابط نزدیک مراقبت می کند و انتظارات شان با توانایی های کودکان شان تناسب دارد (آندروگولای، ۲۰۰۹). فرزندپروری مستبدانه با مهارگری شدید سطوح بالای جدیت، انضباط، بی ثبات و سخت گیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می شود (دیزا، ۲۰۰۵). والدین مستبد سطوح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ دهی را اعمال می کنند. زمانی، شیرانی نازوانی و اکرمی (۱۳۹۹) در پژوهشی که بر روی دانش آموزان پسر انجام دادند به این نتیجه رسیدند که آموزه های والدین و سایر افراد مهم جامعه در دلبستگی کودکان به خدا تاثیر دارد. همچنین نتایج پژوهش جاودان و نیک کردار (۲۰۱۱) بر ردانش آموزان نشان داد که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و هوش معنوی رابطه مثبت وجود دارد و سبک های فرزندپروری مستبدانه، غفلت کننده و سهلگیرانه با هوش معنوی رابطه معناداری وجود نداشت. از طرفی دیگر، به نظر گانو و مور (۲۰۰۲) فطرت خداجویی تحت تاثیر محیط و عواملی همچون محیط و چرخه زندگی خانواده (شیوه فرزندپروری، روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان و آموزش های دوران کودکی)، آموزش های مدارس، تحول شناختی و نیازهای روان شناختی آنها می باشد. از آن جایی که باور و دلبستگی به خدا در آینده بر زندگی نوجوانان امروزی که جوانان آینده هستند تاثیر به سزایی دارد و در بسیار از مواقع دیده شده که انسان های دلبسته و معتقد به خداوند در رویا رویی با مشکلات صبر بیشتری از خود نشان می دهند و به سادگی تسلیم اتفاقات تلخ زندگی نمی شوند و از با دلبستگی که نسبت به خداوند دارند و امید و اعتقاد به مصلحت خداوند از این دوران دشوار در زندگی عبور می کنند و با توجه به تاثیرگذاری که محیط خانواده و سبک فرزندپروری که والدین در مورد فرزندان خود اعمال می کنند بر سلامت روانی و احساس خودکارآمدی فرزندان ایفا می نماید و همچنین تاثیری که دلبستگی به خانواده بر دلبستگی به خداوند بر این نوجوانان می گذارند، لذا با توجه ارتباط چندگانه هر یک از متغیرهای دلبستگی به خدا، سبک های دلبستگی و سبک فرزندپروری و بررسی این متغیرها در یک الگوی پژوهشی همزمان و یکپارچه ضروری است، به ویژه خلا پژوهشی در این زمینه، اجرای این پژوهش را دارای اهمیت می سازد. از این رو، در پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ داده خواهد شد که آیا سبک های دلبستگی و سبک فرزندپروری، دلبستگی به خدا را در نوجوانان پیش بینی می کنند؟

روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. این پژوهش از لحاظ هدف، یک پژوهش بنیادی و برای توسعه دانش انجام شد. در پژوهش حاضر، جامعه آماری کلیه دانش آموزان پسر دوره های متوسطه اول و دوم که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در شهر قزوین مشغول به تحصیل می باشند. طبق آمار آموزش و پرورش شهر قزوین تعداد این دانش آموزان ۸۱۵۰ نفر بودند. در پژوهش برای نمونه گیری از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای استفاده شد. براساس جدول کرجس و مورگان، حجم نمونه مناسب برای این جامعه آماری، ۳۶۶ نفر برآورد شد. به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای از بین مدارس پسرانه دوره های متوسطه اول و دوم در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ ابتدا ۱۰ مدرسه انتخاب شدند و سپس از بین کلاس های این مدارس ۱۵ کلاس به

طور تصادفی انتخاب شدند. و پرسشنامه های بر روی دانش آموزان این کلاس اجرا شد. پس از جمع آوری پرسشنامه ها و کنار گذاشتن پرسشنامه های ناقص و مخدوش، تعداد پرسشنامه های تکمیل شده ۳۳۶ پرسشنامه بود و در نهایت ۳۳۶ پرسشنامه مبنای کار قرار گرفت. در این پژوهش از پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد.

پرسشنامه سبک های دلبستگی

کولینز و رید در سال (۱۹۹۰) بر اساس نظریه هازان و شاور پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید را تهیه کردند. این پرسشنامه در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ آیتم کاهش یافت. این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد که عبارتند از: سبک اضطرابی (A): که با سبک دلبستگی دوسوگرمطابقت دارد، سبک نزدیک بودن (C): که با سبک دلبستگی ایمنمطابقت دارد. سبک وابستگی (D): که تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی است. پایایی پرسشنامه سبک های دلبستگی از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ به دست آمده است. ضریب پایایی مقیاس دلبستگی بزرگسال برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله ۲ هفته برای کل آزمودنی ها ۰/۹۲ آزمودنی های پسر ۰/۹۳ و آزمودنی های پسر ۰/۹۰ محاسبه شد (بشارت، ۱۳۸۸). این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده می باشد که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای (از نوع لیکرت) سنجیده می شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیرمقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است، مشخص می شود (پاکدامن، ۱۳۸۰).

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند (PSI) (۱۹۷۳)

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند PSI در سال ۱۹۷۳ توسط دیانا بامریند ساخته شد. و به بررسی نوع سبک فرزند پروری والدین می پردازد که در این پرسشنامه سه سبک اصلی فرزند پروری مورد سنجش قرار می گیرد که عبارتند از:

- سبک آزادگذاری (سهل گیرانه)
- سبک استبدادی
- سبک اقتدار منطقی (قاطع و اطمینان بخش)

این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال و سه مولفه اصلی است که جواب هر سوال به صورت لیکرت هفت درجه ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می باشد. در این ابزار آزمودنی ها با مطالعه هر ماده نظر خود را با علامت × برحسب یک مقیاس ۷ درجه ای مشخص کردند که از صفر تا ۶ (کاملاً مخالفم = ۰، مخالفم = ۱، تاحدودی مخالف = ۲، بی نظر = ۳، تاحدودی موافق = ۴، موافق = ۵، کاملاً موافقم = ۶)، نمره گذاری شد و با جمع نمرات، نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست آمد. پودینه و همکاران (۱۳۹۵) برای تعیین پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، مقدار ضریب آلفا برای سبک های فرزندپروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل گیرانه به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ به دست آوردند. در این مطالعه مقدار ضریب آلفای محاسبه شده برای کل پرسشنامه ۰/۷۲ و برای سبک مستبدانه ۰/۷۷، سبک مقتدرانه ۰/۸۳ و سبک سهل گیرانه ۰/۶۸ محاسبه شد و روایی پرسشنامه از طریق عامل تاییدی مرتبه اول صورت گرفت.

پرسشنامه دلبستگی به خدا

پرسشنامه دلبستگی به خدا یا پرسشنامه معنوی مسلمانان توسط غباری و حدادی کوهسار (۱۳۹۰) با هدف سنجش دلبستگی مسلمانان به خدا توسعه داده شده است. این پرسشنامه از ۳۷ سوال تشکیل شده است و بر اساس طیف هفت گزینه ای لیکرت با سوالاتی مانند (با جستجوی فعالانه حضور خداوند در زندگیم، یاری خداوند را در شرایط سخت زندگی ام دریافت نموده ام.) به سنجش دلبستگی به خدا می پردازد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت (کاملاً مخالف، ۱؛ مخالف، ۲؛ نظری ندارم، ۳؛ موافق، ۴؛ کاملاً موافق، ۵) می باشد. کمترین و بیشترین نمره آن به ترتیب برابر با ۱۶ و ۸۰ است. این پرسش نامه دارای شش بعد دلبستگی معنوی می باشد: جوارجویی، پناهگاه امن، پایگاه امن، اعتراض به جدایی، ادراک مثبت از خود و ادراک مثبت از خدا. اعتبار سازه این پرسشنامه نیز بر اساس تحلیل عاملی تایید شده است (پروین زاده و خیری و باباپور، ۲۰۱۵). در پژوهش غباری

بناب و حدادی کوهسار (۱۳۹۰) روایی درونی سازه را با استفاده از تحلیل عاملی و رواسازی بیرونی مقیاس مورد آزمایش قرار دادند و برای زیر مقیاس جوارجویی ۰/۹۰، پناگاه امن ۰/۹۳، پایگاه امن ۰/۸۸، اعتراض به جدایی ۰/۸۶، ادراک مثبت از خدا ۰/۹۰ و ادراک مثبت از خود ۰/۸۵ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ بدست آمد.

برای تجزیه و تحلیل داده ها، در سطح آمار توصیفی از شاخص های میانگین، انحراف معیار، جدول توزیع فراوانی و در سطح آمار استنباطی از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام با استفاده از نرم افزار SPSS-25 استفاده شد.

یافته ها

نرمال بودن داده ها: نرمال بودن داده ها با استفاده از آزمون کجی و کشیدگی بررسی شدند. که نتایج آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۱. آزمون کجی و کشیدگی سبک های دلبستگی، ابعاد سبک های فرزند پروری و دلبستگی به خدا و ابعاد آن

متغیر	کجی	کشیدگی
سبک اضطرابی دوسوگرا	۱.۶۷	۰.۱۸
سبک اجتنابی	۰.۲۶	-۱.۳۴
سبک ایمن بودن	-۱.۱۳	-۱.۶۲
سهل گیرانه	۱.۹۶	۰.۲۸
استبدادی	۰.۷۵	۰.۶۴
مقتدرانه	-۱.۵۳	۰.۷۴
دلبستگی به خدا	۰.۳۹	۱.۸۷
ادراک مثبت از خود	۰.۸۴	۰.۹۳
ادراک مثبت از خدا	۰.۷۸	۰.۴۹
پناهگاه امن	۱.۱۹	۱.۳۶

نتایج آزمون کجی و کشیدگی در جدول ۱ حاکی از آن است که ابعاد سبک های دلبستگی، ابعاد سبک های فرزند پروری و دلبستگی به خدا و ابعاد آن دارای توزیع نرمال می باشند زیرا مقدار کجی و کشیدگی آنها بین -۲ تا +۲ قرار دارند.

بررسی نبود رابطه هم خطی بین متغیرهای پیش بین

جدول ۲. بررسی عدم رابطه هم خطی بین متغیرهای پیش بین

متغیر	Vif (عامل تورم) واریانس
دوسوگرا	۳.۸۱
اجتنابی	۴.۰۷
ایمن بودن	۲.۹۸
سهل گیرانه	۳.۷۳
استبدادی	۴.۲۹
مقتدرانه	۳.۱۶

بررسی عدم رابطه هم خطی بین متغیرهای پیش بین در جدول ۲ حاکی از آن است که متغیرهای پیش بین به دلیل اینکه vif آنها بالاتر از ۲ می باشد، مفروضه عدم رابطه هم خطی بین متغیرهای پیش بین برقرار است.

مستقل بودن مشاهدات

برای بررسی مستقل بودن مشاهدات از آزمون دوربین - واتسون استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون دوربین - واتسون جهت بررسی مستقل بودن مشاهدات

متغیر	مقدار آماره دوربین - واتسون
دوسو گرا	۱.۹۵
اجتنابی	
ایمن بودن	
سهل گیرانه	
استبدادی	
مقتدرانه	

همانطور که نتایج جدول ۳ نشان می دهد به دلیل اینکه مقدار آماره دوربین - واتسون بین ۱.۵ تا ۲.۵ می باشد، لذا مفروضه مستقل بودن مشاهدات برقرار است. بنابراین می توان از تحلیل رگرسیون استفاده کرد.

فرضیه اول: سبک های دلبستگی و سبک های فرزند پروری، دلبستگی به خدا را در دانش آموزان دوره متوسطه شهر قزوین پیش بینی می کنند.

پس از بررسی مفروضه های تحلیل رگرسیون و حصول اطمینان از برقراری مفروضه ها، به منظور تبیین سهم متغیرهای پیش بین در تبیین واریانس متغیر ملاک (دلبستگی به خدا) از رگرسیون چند گانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام

مدل	متغیرها	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	p	R	R ²
۱	استبدادی	۹۳۴۷.۵۲	۱	۴۶۷۳.۷۶	۰.۰۰۵	۰.۴۷	۰.۲۲
۲	مقتدرانه	۸۷۸۱.۹۳	۲	۴۳۹۰.۹۶	۰.۰۰۵	۰.۵۱	۰.۲۶
۳	سهل گیرانه	۸۰۴۲.۱۶	۳	۲۶۸۰.۷۲	۰.۰۰۵	۰.۵۴	۰.۲۹
۴	ایمن بودن	۷۶۱۹.۴۶	۴	۱۹۰۴.۸۶	۰.۰۰۵	۰.۵۸	۰.۳۳
۵	دوسو گرا	۷۳۸۱.۰۹	۵	۱۴۷۶.۲۲	۰.۰۰۵	۰.۶۲	۰.۳۸
۶	اجتنابی	۷۱۱۷.۲۵	۶	۱۱۸۶.۲۴	۰.۰۰۵	۰.۶۶	۰.۴۳

نتایج ارائه شده در جدول ۴ نشان می دهد که در مدل اول شیوه فرزند پروری استبدادی وارد تحلیل شده و توانسته ۲۲ درصد از واریانس دلبستگی به خدا را تبیین کند. در گام دوم با اضافه شدن متغیر شیوه فرزند پروری مقتدرانه میزان واریانس تبیین شده از ۲۲ درصد به ۲۶ درصد افزایش یافته است. در گام سوم با اضافه شدن شیوه فرزند پروری سهل گیرانه میزان واریانس تبیین شده از ۲۶ درصد به ۲۹ درصد افزایش یافته است. در گام چهارم با اضافه شدن متغیر سبک دلبستگی ایمن، میزان واریانس تبیین شده از ۲۹ درصد به ۳۳ درصد افزایش یافته است. در گام پنجم با اضافه شدن متغیر سبک دلبستگی دوسوگرا، میزان واریانس تبیین شده از ۳۳ درصد به ۳۸ درصد افزایش یافته است. در گام ششم با اضافه شدن متغیر سبک دلبستگی اجتنابی

میزان واریانس تبیین شده از ۳۸ درصد به ۴۳ درصد افزایش یافته است. بنابراین می توان نتیجه گرفت مجموعاً ۴۳ درصد از واریانس دلبستگی به خدا از طریق متغیرهای سبک استبدادی، مقتدرانه، سهل گیرانه و سبک دلبستگی دوسوگرا، ایمن بودن و اجتنابی تبیین شده است.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون جهت تبیین دلبستگی به خدا

گام	متغیر	ضریب استاندارد β	t	سطح معناداری
۱	استبدادی	-۰.۴۷	-۹.۳۸۲	۰.۰۰۵
۲	مقتدرانه	۰.۳۶۸	۶.۶۵۴	۰.۰۰۵
۳	سهل گیرانه	-۰.۴۱	-۸.۷۶۹	۰.۰۰۵
۴	ایمن بودن	۰.۳۱۷	۵.۹۷۲	۰.۰۰۵
۵	دوسوگرا	-۰.۳۸۰	-۷.۱۶۳	۰.۰۰۵
۶	اجتنابی	-۰.۲۹۵	-۶.۷۲۳	۰.۰۰۵

بر اساس نتایج جدول ۵ می توان گفت در مدل اول $\beta = -۰.۴۷$ با توجه به آماره T می تواند تغییرات مربوط به دلبستگی به خدا را با اطمینان ۹۹ درصد پیش بینی کند. در گام دوم $\beta = ۰.۳۶۸$ با توجه به آماره T می تواند تغییرات مربوط به دلبستگی به خدا را با اطمینان ۹۹ درصد پیش بینی کند. در گام سوم $\beta = -۰.۴۱$ با توجه به آماره T می تواند تغییرات مربوط به دلبستگی به خدا را با اطمینان ۹۹ درصد پیش بینی کند. در گام چهارم $\beta = ۰.۳۱۷$ با توجه به آماره T می تواند تغییرات مربوط به دلبستگی به خدا را با اطمینان ۹۹ درصد پیش بینی کند. در گام پنجم $\beta = -۰.۳۸۰$ با توجه به آماره T می تواند تغییرات مربوط به دلبستگی به خدا را با اطمینان ۹۹ درصد پیش بینی کند. در گام ششم $\beta = -۰.۲۹۵$ با توجه به آماره T می تواند تغییرات مربوط به دلبستگی به خدا را با اطمینان ۹۹ درصد پیش بینی کند.

فرضیه دوم: بین سبک های دلبستگی و دلبستگی به خدا در دانش آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

جدول ۶. نتایج ضریب همبستگی سبک های دلبستگی با دلبستگی به خدا و ابعاد آن

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	دوسوگرا	۱						
۲	اجتناب		۱					
۳	ایمن بودن			۱				
۴	دلبستگی به خدا	-۰.۳۸**	-۰.۳۷**	۰.۴۶**	۱			
۵	ادراک مثبت از خود	-۰.۳۴**	-۰.۳۳**	۰.۴۴**		۱		
۶	ادراک مثبت از خدا	-۰.۳۶**	-۰.۳۴**	۰.۴۲**			۱	
۷	پناهگاه امن	-۰.۳۷**	-۰.۳۵**	۰.۴۵**				۱

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در خصوص ارتباط ابعاد سبک های دلبستگی با دلبستگی به خدا در جدول ۶ گزارش شده است. همانطور که نتایج جدول ۶ نشان می دهد رابطه سبک دلبستگی ایمن با دلبستگی به خدا و ابعاد آن مثبت و در سطح ۰.۰۱ معنادار می باشد. رابطه سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی با دلبستگی به خدا و ابعاد آن منفی و در سطح ۰.۰۱ معنادار می باشد.

فرضیه سوم: بین سبک های فرزندپروری و دلبستگی به خدا در دانش آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

جدول ۷ نتایج ضریب همبستگی ابعاد سبک های فرزند پروری با دلبستگی به خدا و ابعاد آن

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	سهل گیرانه	۱						
۲	استبدادی		۱					
۳	مقتدرانه			۱				
۴	دلبستگی به خدا	-۰.۵۱**	-۰.۵۷**	۰.۵۳**	۱			
۵	ادراک مثبت از خود	-۰.۴۷**	-۰.۵۰**	۰.۵۱**		۱		
۶	ادراک مثبت از خدا	-۰.۴۸**	-۰.۵۲**	۰.۵۴**			۱	
۷	پناهگاه امن	-۰.۴۳**	-۰.۴۷**	۰.۴۹**				۱

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در خصوص ارتباط ابعاد سبک های فرزند پروری با دلبستگی به خدا و ابعاد آن در جدول ۷ گزارش شده است. همانطور که نتایج جدول نشان می دهد رابطه سبک های فرزند پروری سهل گیرانه و استبدادی با دلبستگی به خدا و ابعاد آن منفی و در سطح ۰.۰۱ معنادار می باشد. رابطه سبک فرزند پروری مقتدرانه با دلبستگی به خدا و ابعاد آن مثبت و در سطح ۰.۰۱ معنادار می باشد.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول: سبک های دلبستگی و سبک های فرزند پروری، دلبستگی به خدا را در دانش آموزان دوره متوسطه

شهر قزوین پیش بینی می کنند.

بر اساس نتایج پژوهش این فرضیه تأیید شد و نتیجه گرفته شد که سبک های دلبستگی و سبک های فرزندپروری، دلبستگی به خدا را در دانش آموزان دوره متوسطه شهر قزوین پیش بینی می کنند. این نتیجه با نتایج پژوهش های امیدی، فرهوش، احمدی و افتخار اربایی (۱۳۹۹)، زمانی، شیرانی ناژوانی و اکرمی (۱۳۹۹)، شهابی زاده و همکارانش (۱۳۸۷)، کرک و پاتریم (۲۰۱۹)، زرزیکا (۲۰۱۹) مطابقت داشت.

شکل گیری الگوی درون کاوی اولیه از خود و دیگران در دوران کودکی و در ارتباط با والدین، زمینه ای را فراهم می سازد و این زمینه به عنوان یک تصفیه کننده شناختی برای تعبیر و تفسیر داده های درونی و بیرونی عمل می کند. این الگوهای درون کاوی مثبت یا منفی نسبت به خود و دیگران علاوه بر کودکی، در دلبستگی به خدا نیز مطرح می باشد (میکولنسر و همکاران، ۲۰۱۸). سبک های دلبستگی روی تصور از خدا تأثیر می گذارد و از این طریق روی رضایت زندگی افراد تأثیر می گذارند. افراد دارای سبک دلبستگی مثبت، تصور مثبتی از خدا دارند و خدا را پذیرنده، نزدیک و در دسترس تلقی می کنند (امیدی و همکاران، ۱۳۹۹).

افرادی که سبک های دلبستگی آنان به صورت عاشق و مراقب بود، مایلند تصور از خودشان و در نهایت تصورشان از خدا، به صورت عاشق و مراقب باشد. بدین ترتیب ادراک دوران کودکی از والدین پیش بینی کننده تصور از خود و تصور از خداست (رضایی، ۱۳۹۸، کرک و پاتریم و شیور، ۲۰۱۳). تصور از خدا بخشی از بازنمایی جهان درونی است و در طبیعت فرد ریشه دارد. تصور از خدا بخشی از طرحواره دینی افراد در مورد خداست که به عنوان یک پایه شناختی برای تصور افراد از خدا بکار می رود (صادقی، ۱۳۹۳).

لری (۲۰۱۷) و غباری (۱۳۹۸) معتقد بودند که پناهگاه ایمنی که در شکل گیری دلبستگی نقش دارند دلبستگی نقش دارند پایه و اساس شکل گیری تصور از خدا نیز می باشد. کودک بر پایه تجارب اولیه دلبستگی روان بندهای شناختی-هیجانی مربوط به روابط فردی را گسترش می دهد که این تحول بعدها می تواند با یک تصویر دلبستگی فوق طبیعی همراه باشد این یافته مؤید

فرضیه انطباقی کرک پاتریک است مبنی بر اینکه دیدگاه افراد از خدا همسان با ارتباط والد است که در مطالعه حاضر بین دلبستگی ادراک شده به والد و تصور از خدا در جهت تبیین فرایند انطباقی کرک و پاتریک بررسی می شود.

لئونارد و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی که درباره گرایش های مذهبی و باورهای معنوی افراد انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که پویایی های والد- کودک می تواند در شکل گیری گرایش های مذهبی افراد در بزرگسالی تاثیر دارد. پویایی های والد- کودک که در چارچوب شیوه های فرزندپروری انجام می شود و همچنین باورهای والدینی در شکل گیری باورها اعتقادی و گرایش های مذهبی و معنوی افراد در بزرگسالی به خدا نقش اساسی دارند. افزون بر این سبک های دلبستگی ایمن در دوران در کودکی به لحاظ امنیت روانی و اعتماد اساسی که فرد در دوران کودکی به والدین و در نهایت به خودش پیدا می کند، موجب می شود که آنان در بزرگسالی بتوانند تصور از خدا را به عنوان بازنمایی جهان درونی خود ادراک کنند. همچنین سانسنتی و تارگان (۲۰۲۰) در پژوهشی که بر روی نوجوانان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شیوه فرزندپروری والدین روی معنویت نوجوانان تاثیر دارد. انواع شیوه های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه والدین به به طور متفاوتی روی تحول معنویت کودکان و نوجوانان تاثیر می گذارد. شیوه فرزندپروری مقتدرانه از طریق پذیرش عاطفی روی گرایش معنوی نوجوانان تاثیر می گذارد که شامل حس ارزش گذاری توسط والدین، نشان دادن عاطفه و عشق و محبت به کودکان و نوجوانان، اختصاص دادن زمان زیادی برای کودکان و نوجوانان، ارضاء نیازهای عاطفی کودکان و نوجوانان و شناسایی نقاط قوت آنان است. همچنین حمایت خودمختاری در کودکان و نوجوانان در شیوه فرزندپروری مقتدرانه انجام می شود که کودکان تشویق می شوند بر حسب علایق شان انتخاب کنند و به آنان اجازه تجربه کردن داده می شود و استقلال را یاد می گیرند. اما در شیوه فرزندپروری سهل گیرانه که به صورت تسلیم شدن والدین در برابر کودکان، ناتوانی در اصلاح و تربیت کودکان و رها کردن کودکان و درگیر شدن در مشکلات رفتاری مشخص می شوند، در فرآیند تحول معنوی و دلبستگی به خدا تاثیر معکوس دارد.

فرضیه دوم: بین سبک های دلبستگی و دلبستگی به خدا در دانش آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج پژوهش این فرضیه تأیید شد و نتیجه گرفته شد که بین سبک های دلبستگی و دلبستگی به خدا در دانش آموزان دوره متوسطه شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد. رابطه سبک دلبستگی ایمن با دلبستگی به خدا رابطه مثبت و معناداری و سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی با دلبستگی به خدا رابطه منفی و معنادار است. این نتیجه با نتایج پژوهش هایسپاه منصور، شهابی زاده و خوشنویس (۱۳۸۷)، زرزیکا (۲۰۱۹)، کرک پاتریک و شیور (۲۰۲۲) مطابقت داشت. نتایج پژوهش سپاه منصور و همکاران (۱۳۸۷) نشان داد که بین ابعاد سبک های دلبستگی نوجوانان و دلبستگی آنان به خدا رابطه وجود دارد. دلبستگی نوجوانان نتیجه عملکرد نظام عاطفی مشابه با دلبستگی در کودکان است. اگر چه سبک دلبستگی در فرآیند تحول تعدیل می شود، اما نظام عاطفی دلبستگی ودکی نقش الگوی اصلی را در نظام عاطفی دلبستگی بزرگسال ایفا می کند. روابط افراد دلبسته ایمن در دوران کودکی و نوجوانی زمینه لازم را برای سبک دلبستگی ایمن در بزرگسالی و روابط بین فردی در بزرگسالی فراهم می کند (دیلامی، ۲۰۰۷). نتایج مطالعه کرک پاتریک و شیور (۲۰۲۲) نشان داد که بزرگسالان ایمن خدا را بیشتر مهربان و کمتر غیر قابل دسترس، دور و کنترل کننده توصیف کردند همچنین بزرگسالان ایمن به طور معنی داری بالاترین سطح تعهد مذهبی را نشان دادند و بزرگسالان نایمن به خدا نیز نسبت به گروه ایمن کمتر به خدای مراقب کننده و بیشتر به خدای تنبیه کننده اشاره کردند.

فرضیه سوم: بین سبک های فرزندپروری و دلبستگی به خدا در دانش آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.

بر اساس نتایج پژوهش این فرضیه تأیید شد و نتیجه گرفته شد که بین سبک های فرزندپروری و دلبستگی به خدا در دانش آموزان دوره متوسطه شهر قزوین رابطه معناداری وجود دارد. رابطه شیوه فرزندپروری مقتدرانه با دلبستگی به خدا رابطه مثبت و معنادار و شیوه های فرزندپروری مستبدانه و سهل گیرانه با دلبستگی به خدا رابطه منفی و معنادار است. این نتیجه با نتایج

ساسانتی و تارگان^۳ (۲۰۲۰)، هال (۲۰۰۷)، ابراهیمی و فروع فیروزی (۲۰۱۹)، زرین کلک و طباطبایی برزوکی (۱۳۹۱)، مطابقت داشت.

شیوه فرزندپروری والدین روی معنویت نوجوانان تاثیر دارد. انواع شیوه های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه والدین به به طور متفاوتی روی تحول معنویت کودکان و نوجوانان تاثیر می گذارد. با توجه به ویژگی شیوه های گوناگون فرزندپروری به لحاظ میزان و نوع کنترل و آزادی و داشتن حق انتخاب در انتقال ارزش های والدین به فرزندان تاثیر دارد و ویژگی انعطاف پذیری و منطقی بودن والدین در اعمال کنترل و آزادی که در شیوه فرزندپروری مقتدرانه اجرا می شود به فرزندان کمک می کند که بتواند در یک شرایط آزادی منطقی به ارزش معنوی والدین توجه کنند و مفهوم خدا را سرلوحه زندگی خود قرار دهند (ساسانتی و تارگان، ۲۰۲۰).

بین شیوه فرزندپروری مستبدانه و اعمال مذهبی در بزرگسالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد به این صورت که سبک انعطاف ناپذیر والدین همراه با سطح بالایی از توقع برای اطاعت و محدود کردن آزادی کودکان برای انتخاب، آنها را در شرایط نامناسبی قرار می دهد و باعث می شود آنها در فرآیند تحول روانی مفهوم خود و شکل گیری هویت با مشکل مواجه شوند و در نهایت در ادراک مفهوم خدا دچار ابهام می شوند. بین شیوه والدگری مقتدرانه و تجربیات معنوی و اعمال مذهبی در بزرگسالی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (هال، ۲۰۰۷). در تبیین این نتیجه می توان گفت که ویژگی انعطاف پذیری والدین در شیوه فرزندپروری مقتدرانه والدین همراه با توقعات روشن برای رعایت قوانین از سوی کودکان، روش مناسبی برای ترغیب کودکان برای پذیرش ارزش های والدین است. در شیوه فرزندپروری مقتدرانه ویژگی انعطاف پذیری والدین در چارچوب کنترل و آزادی منطقی و از طرفی دیگر محبت و صمیمیت در تعامل با کودکان و نوجوانان اعمال می شود، موجب می شود که کودکان و نوجوانان به ارزش های اعتقادی و اجتماعی والدین و خانواده خود توجه کنند و نسبت به به این ارزش ها تمایل درونی پیدا کنند. مقوله نگرش معنوی و دلبستگی به خدا و به تبع آن انجام اعمال مذهبی یکی از ارزش ها و توقعات والدین است که در شرایط والدگری مقتدرانه در چارچوب کنترل و آزادی منطقی و داشتن حق انتخاب به تدریج در کودکان و نوجوانان شکل می گیرد (کرک پاتریک، ۲۰۰۲). از طرفی دیگر ابراهیمی و فروع فیروزی (۲۰۱۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سبک فرزندپروری خوب به طور مستقیم با ادراک خدا رابطه ندارد. اما سبک فرزندپروری خوب می تواند از طریق افزایش یا کاهش دلبستگی به والدین، ادراک مثبت فرد را نسبت به خدا بهبود بخشد. سبک فرزندپروری ضعیف و طردکننده هر دو به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق افزایش بی اعتمادی به والدین و کاهش وابستگی به خدا می توانند روی مفهوم خدا تاثیر می گذارند. دلبستگی به خدا در نوجوانان تا حدود زیادی تحت تاثیر نوع ارزش های والدین و سایر اعضای خانواده است که احتمالا می توانند در روابط بین متغیرهای پژوهش نقش واسطه ای داشته باشند. در این پژوهش امکان تشریح روابط واسطه ای این متغیرها و بحث در خصوص چگونگی تاثیرگذاری آنها در مورد آزمودنی های پژوهش حاضر وجود ندارد.

³ Susanti, L., & Tarigan

منابع و مراجع

- [۱] اکبری، سعید؛ شکوهی یکتا، محسن؛ زمانی، نیره، محمودی، مریم؛ کریمیپور، جواد. (۱۳۹۲). تأثیر مداخلات شناختی-رفتاری بر کنترل خشم دانش-آموزان دبیرستانی. روانشناسی بالینی و شخصیت، ۲۱(۱۱): ۶۱-۷۰.
- [۲] امید، احد؛ فرهوش، محمد؛ احمدی، محمدرضا؛ و افتخار آریایی، رقیه. (۱۳۹۹). نقش واسطه ای تصور از خدا در رابطه سبک های دلبستگی با رضایت از زندگی. دوفصلنامه علمی روان شناسی فرهنگی، ۴(۱): ۱۰۳-۸۱.
- [۳] برک، لورا ای. (۱۳۸۳). روان شناسی رشد ترجمه یحیی سیدمحمدی تهران: ارسباران.
- [۴] تنهای رشوانلو، فرهاد و حجازی، الهه (۱۳۹۰). درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی پدر و مادر: پیش بینی کننده های عزت نفس نوجوانان، مجله علوم رفتاری، ۴ (۵)، ۳۵۰-۳۴۳.
- [۵] جعفری، اصغر. (۱۳۹۶). تدوین یک برنامه روانی-آموزشی بر اساس الگوی ستیر برای زوجین متعارض و اثربخشی آن در کاهش سبک مقابله ای ناکارآمد و احتمال وقوع طلاق. چاپ شده در فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ مشاوره و روان درمانی دانشگاه علامه طباطبائی، (۳۰): ۱۰۷-۱۳۰.
- [۶] جناآبادی، حسین و سابق، فرامری (۱۳۹۳). رابطه دلبستگی به خدا با معناداری زندگی والدین کودکان کم توان ذهنی شهر زاهدان. دو ماهنامه طلوع بهداشت، ۱۳(۲): ۹۹-۱۱۲.
- [۷] دشتی، سیدرضا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه شیوه های تربیت فرزند و جهت گیری مذهبی درونی پایان نامه کارشناسی دانشگاه آزاداسلامی واحد رودهن.
- [۸] دهقانی، طیبه (۱۳۸۹). رابطه شیوه فرزندپروری والدین با میزان خشم و سطح سازگاری نوجوانان. پایان-نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه روانشناسی.
- [۹] ذکایی فر، آرزو، موسی زاده، توکل. (۱۳۹۹). نقش سبک های فرزند پروری والدین در پیش بینی رشد اجتماعی کودکان پیش دبستان ۵ و ۶ ساله. پژوهش های روانشناسی اجتماعی، ۱۰(۳۷)، ۸۷-۱۰۰.
- [۱۰] زرین کلک، حمیدرضا و طباطبائی برزکی، سعید. (۱۳۹۱). رابطه سبک های دلبستگی و والدگری با تجربیات معنوی و اعمال مذهبی. روانشناسی تحولی، ۸(۳۱)، ۳۰۵-۳۱۳.
- [۱۱] زمانی، سمیرا؛ شیرانی ناژوانی؛ و اکرمی، ناهید. (۱۳۹۹). مدل معادلات ساختاری پیش بینی اختلالات اضطرابی کودکان براساس ارتباط با والدین، دلبستگی به خدا با میانجیگری عزت نفس و کنترل ادراک شده. نشریه روان بالینی و شخصیت، ۸(۱): ۹۹-۱۱۳.
- [۱۲] ساکی، خدیجه و مکوندی، بهنام. (۱۳۹۴). رابطه بین سبک های دلبستگی و شادکامی با عملکرد خانواده، سومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری، تهران.
- [۱۳] سپاه منصور، مژگان؛ شهابی زاده، فاطمه؛ خوشنویس، الهه. (۱۳۸۷). ادارک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا. فصلنامه روان شناسان ایرانی، ۴(۱۵): ۲۵۳-۲۶۵.
- [۱۴] سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۹). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- [۱۵] شهابی زاده، فاطمه و فرزند، ولی الله. (۱۳۹۲). ارتباط دلبستگی ادراک شده دوران کودکی با مقابله مذهبی در بحران، با میانجی گری دلبستگی به خدا، پژوهش های روان شناختی، ۶(۳۱)، ۸۴-۱۰۶.
- [۱۶] شیرالی نیا، خدیجه، عبدالمی موسوی، حدیث، خجسته مهر، رضا. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر درمان پذیرش و تعهد بر استرس فرزندپروری و انعطاف پذیری روان شناختی مادران کودکان دارای اختلال طیف اتیسم. روانشناسی افراد استثنایی، ۷(۲۸)، ۲۱-۴۴.
- [۱۷] طباطبائی سید علی، فضلی رخساره، یارعلی جواد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک های فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش، ۱۰(۱): ۷-۲۲.
- [۱۸] غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار، علی اکبر (۱۳۹۰). دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه گیری. روش ها و مدل های روان شناختی، ۱(۴): ۸۱-۱۰۶.
- [۱۹] غلامی، ابوالفضل و غلامی، نرگس. (۱۳۹۹). بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبستانی شهرستان گناباد، ششمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری ایران، تهران.

[۲۰] کاپلان، پاول اس. (۱۳۸۴). روان شناسی رشد سفر پرماجرایی کودک ترجمه مهرداد فیروزبخت تهران: خدمات فرهنگی رسا.

[۲۱] کرین، ویلیام. (۲۰۰۶)، نظریه های رشد. ترجمه: غلامرضا خوی نژاد و علیرضا رجایی. (۱۳۹۱)، چاپ ششم، تهران؛ نشر رشد.

[۲۲] ماسن، پاول. اچ. (۱۳۷۳). رشد و شخصیت کودک ترجمه مهشید یاسایی تهران ما

[23] American Psychiatric Association (APA). Advance in Anger management 2014 [updated 2015; cited 2014]. Available from: <http://apa.org/>.

[24] Baumrind, D, Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior , Gentic psychology Monographs, 15, 2017, 43 88.

[25] Beck, R., & McDonald, A. (2014). Attachment to God: The Attachment to God Inventory, Tests of Working Model Correspondence, and An Exploration of Faith Group Differences. Journal of Psychology and Theology, 32, No. 2, 92-103.

[26] Bradshaw M, Kent BV. (2017). Prayer, attachment to God, and changes in psychological wellbeing in later life. Journal of aging and health; 0898264316688116.

[27] Erikson, Erik, Life History and the Historical Moment, New York: W.w.norton, 2015.

[28] Javdan M. and Nickkardar M. A. 2011. The Study Relationship between Parenting Styles and Spiritual intelligence. J. Life Sci. Biomed. 1(1): 24-27.

[29] Kirkpatrick, L. A, (2017). An attachment-theory approach to the psychology of religion. International Journal for The Psychology of Religion, 2(1), 3-28.

[30] Larson, p. p, and Sherill, K, Aetal, Associations between dimensions of religious condiments and mental health American Journal of psychiatry, 149, 2019, 557-559.

[31] Miller, B. K., Zivnуска, S., & Kacmar, K. M. (2019). Self-perception and life satisfaction. Personality and Individual Differences, 139, 321-325.

[32] Susanti, L., & Tarigan, C. (2020). The Effects of Parenting Style and Adolescent Character on Adolescent Spirituality During the Pandemic. Journal of Jaffray, 19(2): 184-201.

[33] Walsh, F. (2009). Spiritual Resourcein Family therapy. New York: Guilford Press.

[34] Zarzycka, B. (2019). Parental Attachment Styles and Religious and Spiritual Struggle: A Mediating Effect of God Image. Journal of Family Issues, 40(5): 575-593.